

مقاله بنیادی
fundamental
Article

خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و

اسلامی

مرتضی صانعی^۱

سید محمد حاجتی شورکی^۲

چکیده

هدف: به نظر می‌رسد توحید عبادی زرتشتیان با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و بنابر اسناد درون‌دینی و برون‌دینی، جلوه‌هایی از شرک عبادی مانند پرستش آتش در میان زرتشتیان بوده است. این پژوهش با هدف تبیین و رفع ابهام شرک عبادی زرتشتیان انجام شده است. **روش:** این مقاله با روش مقایسه‌ای و با تکیه بر اسناد و مدارک زرتشتی و متون دینی اسلامی به تحلیل و بررسی مسئله شرک عبادی زرتشتیان پرداخته است. **یافته‌ها و نتایج:** اسناد و شواهد متعدد حکایت از این داشت که در میان زرتشتیان، پرستش اجرام آسمانی و عناصر طبیعی، به طور ویژه پرستش آتش، در برهه‌ای از تاریخ ثابت است و انکار شرک عبادی زرتشتیان در تمام تاریخ با قراین موجود ناسازگار است. امروزه بنابر تصریح موبدان زرتشتی، زرتشتیان تنها اهورامزدا را می‌پرستند و آتش و نور، قبله و جهت عبادت است. ظهور اسلام و آشنایی بزرگان زرتشتی با توحید در اسلام و عبادت و قبله مسلمانان، نقش مهمی در پیرایش و زدودن مظاهر شرک عبادی زرتشتیان داشته است.

واژگان کلیدی: شرک، عبادت، آتش، متون دینی اسلامی، متون دینی زرتشتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◆ دریافت مقاله: ۰۰/۰۸/۲۰؛ تصویب نهایی: ۰۰/۱۱/۲۵.

۱. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (نویسنده مسئول) / نشانی: قم - بلوار امین - بلوار جمهوری اسلامی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - شماره: ۰۲۵۳۲۹۳۶۱۰۰۲ / Email: sanei@iki.ac.ir
۲. دکترای ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

الف) مقدمه

از ادیان زنده جهان، آیین زرتشت است که بیشتر پیروان آن در ایران و هند اقامت دارند و مانند سایر پیروان ادیان، مناسک و اعمالی را به جا می‌آورند. از مباحث بنیادین در آیین زرتشت، مسئله توحید یا شرک عبادی زرتشتیان در طول تاریخ است. تقدس آتش و نور در آیین زرتشت، امری بدیهی بوده و احدی از محققان و موبدان زرتشتی نیز آن را انکار نکرده‌اند. موضوع اختلافی که مورد نفی و اثبات میان زرتشت‌پژوهان و موبدان و محققان زرتشتی است، بحث پرستش و عبادت آتش و نیز خورشید و ماه و ستارگان در طول تاریخ بوده است. این نوشتار به پژوهش تطبیقی این موضوع در متون دینی زرتشتی و اسلامی پرداخته است؛ پژوهشی نو که با تتبع و جستجو در منابع، موردی شبیه آن یافت نشد. سیر مباحث نوشتار بدین صورت است که نخست به مسئله شرک در عبادت در متون دینی زرتشتی پرداخته شده است؛ در ادامه این موضوع را از منظر بعضی آیات قرآنی و روایات اسلامی توصیف و تبیین کرده و پایان مباحث به نتیجه‌گیری و ارائه نظر اختصاص یافته است.

ب) شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی

شرک عبادی در مقابل توحید عبادی است. توحید در عبادت؛ یعنی اینکه انسان در مقام عمل، کسی را جز خدا پرستش و بندگی نکند. ممکن است کسی معتقد باشد که تنها خدا شایسته پرستش است؛ اما در عمل، برای رسیدن به منفعتی شخصی یا گروهی، دیگری را پرستش کند و سر تسلیم در برابر خدا فرود آورد.

برخی دانشمندان نظر به شرک عبادی در آیین زرتشت داده‌اند. از شواهد شرک عبادی، وجود معبودهای گوناگون در این آیین است. در اوستا شواهد روشنی بر پرستش خدایان متعدد در دین زرتشت است (دوشن گیم، ۱۳۷۸: ۶۳). احتمال دارد مراد از خدایان متعدد، ایزدان زرتشتی است که مکرر در متون اوستایی، به ویژه یشتها، ستایش و نیایش شده‌اند.

کریستن سن، تصریح می‌کند: «نصوص متعدد اوستا ثابت می‌کند که پرستش عناصر طبیعی از اصول دیانت زردشتی بوده است» (کریستن سن، ۱۳۷۲: ۲۱۱). از جمله این عناصر مورد پرستش، خورشید بوده است. سپس کریستن سن به برخی نمونه‌های تاریخی در زمان ساسانیان که دین زرتشتی، دین رسمی شاهنشاهی بوده، اشاره می‌کند:

«یزدگرد دوم به این عبارت سوگند یاد می‌کند: قسم به آفتاب خدای بزرگ، که از پرتو خویش جهان را منور و از حرارت خویش جمیع کائنات را گرم کرده است. این پادشاه سه تا چهار بار سوگند آفتاب را

مرتضی صاعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۷۵

تکرار کرده است. وقتی که روحانیون عیسوی را به ترک آیین خود واداشتند، شرط کردند که به جای معبود سابق خود، خورشید را بپرستند. (همان: ۲۰۹)

در دوره یزدگرد دوم ساسانی، اسقفهای ارمنستان در پاسخ به درخواست موبدان زرتشتی برای بازگشت از دیانت عیسوی، گفتند ما مانند شما عناصر و خورشید و ماه و باد و آتش را نمی‌پرستیم. (همان: ۳۸۶)

در مناظره‌ای که یکی از روحانیون زرتشتی با گیورگیس عیسوی کرده، چنین گفته است: «ما به هیچ وجه آتش را خدا نمی‌دانیم؛ بلکه به وسیله آتش، خدا را می‌ستاییم؛ چنان‌که شما به وسیله خاج او را عبادت می‌کنید». گیورگیس که خود از مردان ایرانی بود (نام ایرانی او مهران گشنسپ بود)، در پاسخ، چند عبارت از اوستا را برخواند که در آنها آتش را چون خدایی نیایش کرده‌اند. آن مغ پریشان شد و برای اینکه مغلوب به شمار نیاید، گفت: آتش را می‌پرستیم از این رو که او با اورمزد از یک طبیعت است. گیورگیس پرسید: آیا هرچه در اهورمزد هست، در آتش هم موجود است؟ مغ جواب داد: بلی. گیورگیس گفت: آتش نجاسات و مدفوع اسب و هرچه را بیابد می‌سوزاند. پس اهورمزد، که از همان طبیعت است، این چیزها را می‌سوزاند؟ چون سخن به این جا رسید، مغ بیچاره از جواب عاجز ماند. (همان: ۵۶۸)

از کومون، دانشمند باستان‌شناس و ایران‌پژوه نقل می‌کند که ایرانیان آتش را به صورت خدا در آورده بودند (از کومون، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۷۵). بویس از برخی جهانگردان اروپایی نقل می‌کند که زرتشتیان در هنگام طلوع، به پرستش خورشید روی می‌آوردند (بویس، ۱۳۹۱: ۲۱۲). در سفرنامه دل‌واله آمده که زرتشتیان «گفتند: آنان خورشید و به نسبت کمتری ماه و ستارگان را مقدس می‌شمارند و شاید در حضور ما پروا کردند که بگویند که برای آنها مقام الوهیت قائل‌اند؛ زیرا همان طور که استرابون و سایرین نوشته‌اند، ایرانیان قدیم خورشید و ماه و ستارگان را از خدایان می‌دانسته‌اند. (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۸۰)

با غلبه اسلام و اضمحلال دولت ساسانی روحانیون زرتشتی برای حفظ آیین خود از انحلال تام، دست به اصلاحاتی زدند؛ از جمله اینکه پرستش خورشید را لغو کردند (کریستنسن، ۱۳۷۲: ۵۷۱) و در عصر عباسی به آفرید زرتشتی کوشید تا برخی رسمهای تکان‌دهنده نزد مسلمانان، از جمله پرستش آتش را لغو کند. (دوشن‌گین، ۱۳۷۵: ۴۲۳)

برخی نویسندگان، شرایط زمانی و مکانی آن دوره زرتشتیان را مؤثر در پرستش خدایان متعدد دانسته و انکار معبودهای گوناگون در آن دوره زمانی را رد می‌کنند. مؤلف کتاب قوم آریا می‌نویسد: «یکی از عقاید نادرست اما رایج درباره دین زردشت، رد وجود ایزدان و معبودهای گوناگون در آموزه‌های اصیل دین زرتشت و نسبت دادن وحدانیتی از نوع ادیان سامی - ابراهیمی به آن است. خاستگاه این عقیده و تلقی اشتباه، نخست انطباق دادن الگوی وحدانیت ادیان سامی بر نظام یزدان‌شناسی آریایی - زرتشتی و دوم، تحلیل اصول این دین بدون در نظر گرفتن مقطع زمانی و مکانی پیدایش آن است... پژوهشگران به مقطع

۴۷۶ ♦ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

بسیار کهن دین زرتشت توجه نکرده و ندانستند که در نگاه انسان آئیمیست عصر زرتشت، تمام عناصر و پدیده‌های گیتی دارای روح یا عقل تدبیر(ایزد، رب النوع) بوده و آدمی در لحظه‌لحظه‌های زندگی و معیشت خود، یکسره با موجودات و عرصه‌های قدسی و مینوی سروکار داشته است طبیعتاً از نگاه این انسان کهن، وجود انبوه خدایان در پیرامون وی و ستایش آنان، نه کفر و شرک، بلکه عین ایمان و خداشناسی بوده است. دین زرتشت نیز در همین بستر و زمینه ظهور و رشد کرده است. در این میان تنها کافی بود که پیامبر، انبوه خدایان سودمند شناخته‌شده در کیش سنتی آریایی را آفریده‌ها و کارگزاران اهورامزدا در پیش بُرد اشه و دروغ معرفی کند و بدین ترتیب، چندخدایی کیش کهن را با برتری و سرآمدی اهورامزدا سازگار کند. بنابر این، انکار معبودهای گوناگون در دین زرتشت و الحاقی پنداشتن آن به این دین، ادعایی بدون دلیل و سند است؛ چرا که تمام سنت زنده زرتشتی و تمام متون آن، حتی گفتارهای خود زرتشت، آکنده از اعتقاد به معبودهای گوناگون کهن و نو است. همچنین این تصور که خدایان شناخته‌شده را با تفسیر و تأویل سلیقه‌ای، رمز و نمادی از اخلاقیات و معنویات و نیکی‌ها بدانیم، به وضوح نادرست و کج‌فهمی است؛ چرا که اساساً با ریشه‌ها و بنیانهای باستانی و آئیمیستی این دین، تماماً مابینت دارد و با تصریح متون و سنت زنده آن نیز در تضاد کامل است. (احمدی، ۱۳۸۵: ۶۵)

با توجه به نظر این دسته از دانشمندان، می‌توان گفت دست‌کم در برخی زمانهای تاریخی، زرتشتیان از توحید عبادی منحرف شدند و به شرک در عبادت متمایل شده بودند. از دیگر عناصری که نسبت پرستش آن به زرتشتیان داده شده، آتش است. «آتش پرست» از جمله نامهایی است که در برخی آثار یا از زبان برخی مردم به زرتشتیان نسبت داده شده است (نیرانیان، ۱۳۸۱: ۴۵-۳۶). برای اثبات صحّت یا بطلان این انتساب به زرتشتیان، نیاز به مقدماتی چند است که در ادامه می‌آید.

۱. آتش در ایران باستان

از دیرباز عنصر آتش نزد طوایف هند و اروپایی، مقدس و به ویژه نزد آریایی‌ها؛ یعنی هندوها و ایرانیان بیشتر مورد توجه بوده است. آتش که عنصر اساسی در زندگی و عبادات اقوام هند و اروپایی بود، با ظهور زرتشت جنبه اخلاقی و معنوی یافت. زرتشت آتش را نماد پاکی و طهارت می‌دانست. احترام و بزرگداشت آتش در اساس پرستشهای دینی ریشه عمیق دوانده است (بویس، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در دین زرتشت، بر همواره افروختن آتش تأکید شده است؛ زیرا آتش روشن نشانه مرئی حضور اهورامزداست (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۹). در دین زرتشتی کنونی، آتش چنان مقدس است که نباید گذاشت چشم کافری آن را ببیند (هیناز، ۱۳۷۱: ۴۸) و نیز نباید نور خورشید بر آن بیفتد؛ زیرا قدرت آتش کاهش می‌یابد. (دوشن‌گین، ۱۳۷۵: ۱۲۱)

آتش در آیین زرتشتی، مرکزیت دارد. سه گروه آتش مقدس آیینی وجود دارد: آتش بهرام، آتش آذران و آتش دادگاه. آتش بهرام، قداست خاصی دارد؛ برای اینکه با تشریفات طولانی آماده می‌شود. ۱۶

مرتضی صانعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۷۷

آتش را از منابع مختلف جمع آوری می کنند و آنگاه ۱۱۲۸ بار آن را تطهیر می کنند؛ یعنی هیزم را روی آتش می گیرند؛ وقتی با گرمای آتش این هیزم شعله ور شد، یک مرحله تطهیری انجام شده است. این جریان یک سال طول می کشد. آتش بهرام، معتبرترین آتش آیینی زرتشتیان است که با نام اهورامزدا از او می خواهند که در برابر قوای تاریکی آنان را نیرو بخشد (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۵). در ایران، دو آتش بهرام در یزد و تهران وجود دارد و مراسم و عبادات خاصی برای ستایش و احترام آتش بهرام انجام می گیرد. (بویس، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

یک (اوستا و آتش)

عنصر آتش در اوستا با واژه های آتر، آثر و آتر آمده است (پوردادود، ۱۳۸۰، بخش دوم: ۱۲۵). در پارسی باستان و کتیبه های هخامنشیان نیز آتر آمده است. در پهلوی آن را اتور و آتخش و در فارسی، آذر و آتش گفته اند (رضی، ۱۳۴۶، ج ۱: ۱). در گاهان چندین بار واژه اوستایی آتش به کار رفته و تعظیم و ستایش شده است (گاهان، ۱۹: ۳۱؛ ۴: ۴۳؛ ۷: ۴۶؛ ۶: ۴۷). در سایر قطعات اوستا نیز مکرر از آذر یاد و ستایش شده است که به چند نمونه اشاره می شود:

سراسر یسنای ۶۲ درباره آتش است و به روشنی ستایش و تقدیس آتش در آن انعکاس یافته است. آتش نیایش - که نماز مخصوص آتش است - از یسنای مذکور و از سیروزه استخراج شده است (پوردادود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۱۰). در یسنا، پنج قسم آتش نام برده شده و به هر یک جداگانه درود فرستاد شده است: آتش بهرام، آتش تن مردمان و چهارپایان، آتش رستنی ها، آتش ابرها یا برق و آتش گرزمان. (یسنا، ۱۱: ۱۷)

در خرده اوستا، یکی از نیایش های پنج گانه به «آتش بهرام نیایش» معروف است که درباره آتش است. آتش نیایش که موبدان در پنج هنگام روز در آتشکده می خوانند، نماز مخصوص آتش است (پوردادود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۱۰). در وندیداد، درباره روش تطهیر و پاک کردن آتشی که آلوده شده و چگونگی افروختن آتش مجدد، سخن به میان آمده است. (وندیداد، فرگرد ۷۳: ۸-۹۶)

دو پرستش یا احترام آتش

از ابهام های اساسی و قابل توجه درباره نظام فکری و اعتقادی و عملی زرتشتیان، مسئله تقدیس و تعظیم و پرستش آتش است. این پرستش اساسی مطرح است که آیا زرتشتیان همواره به دیده احترام به آتش می نگریستند یا در برهه ای از زمان، صرف احترام نبوده، بلکه پرستش آتش نیز مطرح بوده است؟ به عبارتی؛ آیا می توان با قاطعیت و مستند گفت که در هیچ زمانی از ظهور آیین زرتشت تاکنون زرتشتیان به پرستش آتش اقبال نشان نداده و همواره به آن احترام می گذاشتند؟ به نظر می رسد همان اندازه که اثبات آتش پرستی در بین زرتشتیان در زمانهای قدیم نیاز به اسناد تاریخی و دلایل محکم دارد، انکار آن نیز به کلی بدون ارائه دلیل پذیرفتنی نیست. در دوره ساسانیان، زرتشتیان به نام آتش پرستان شناخته می شدند (طهری، ۱۳۵۷: ۲۱۲). از کریستن سن نقل شد که زرتشتیان در آن دوره به پرستش عناصر طبیعت، از

۴۷۸ ♦ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

جمله خورشید و آتش روی آورده بودند و از شواهد آن، مناظره تاریخی مسیحیان با زرتشتیان بود که آنان را آتش پرست خوانده بودند.

ممکن است گفته شود اگر پرستش آتش در برخی متون یا اشعار آمده است، به معنای خدمت و نگاهداری آتش است، نه عبادت و بندگی آن. بدیهی است پرستش آتش به معنای پرستاری و نگاهداری آن اشکالی ندارد؛ آنچه عقلاً قبیح است، عبادت آتش است. خواهیم گفت درست است که پرستش در لغت، هم به معنای عبادت و نیایش و هم به معنای خدمت و پرستاری آمده است (معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۷۴۰) و زرتشتیان نیز همواره بر روشن نگه داشتن آتش و پرستاری آن کوشا بوده‌اند؛ اما آنچه در وهله نخست به ذهن تبادر می‌کند و میان محققان درباره پرستش آتش اختلاف است، پرستش به معنای اول؛ یعنی بندگی و عبادت است، نه پرستاری. پرستش خورشید - که از کریستن سن نقل شد - قطعاً به معنای خدمت و پرستاری خورشید نبوده، بلکه به معنای بندگی و عبادت خورشید بوده است؛ یعنی خورشید را الهه و معبود خود قرار می‌دادند.

گفتنی است پرستش عناصر طبیعت دور از ذهن نیست. اندکی مراجعه به تاریخ و سرگذشت دیگر مذاهب و آیینهای گذشته از جمله هندوئیسم، کافی است برای تصدیق این مطلب که پیروان ملل و مذاهب گوناگون در مقابل اشیای گوناگونی همچون بت و سنگ و مجسمه و سایر اشیا، کرنش و عبادت می‌کردند؛ یا اعراب جاهلی گرچه خالقیت خداوند را قبول داشتند، اما بتها را معبود خود می‌دانستند. بنابر این، ممکن است آیینی از نظر توحید ذاتی یا افعالی، آیین توحیدی به شمار آید؛ اما در جنبه توحید عبادی، به شرک مبتلا شده باشد.

از سوی دیگر، اموری همچون قداست آتش در شریعت زرتشتی متأخر، آداب تطهیر آتش به ویژه آتش بهرام، ستایش و نیایش، طلب استمداد و یاری جستن از آن، به تفصیل و فراوان در متون دینی زرتشتی آمده است و قابل رد و انکار نیست. این امور سبب شده است که احتمال پرستش و عبادت آتش در میان زرتشتیان تقویت شود. از نظر تاریخی، به هیچ وجه نمی‌توان قرائنی به دست آورد که زرتشت، مخالف تقدیس و تعظیم آتش بوده است (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۱۱)؛ بلکه همان‌گونه که گذشت، در گاهان زرتشت و سایر متون اوستایی متأخر، قرائنی در دست است که زرتشت به ستایش و نیایش آتش پرداخته است. بندهای مذکور در اوستا به نوعی نشانگر آن است که زرتشتیان با تعظیم، نیایش و ستایش آتش، برای آن مقام ربوبی و تأثیر معنوی و قدرت ماورای طبیعی قائل‌اند. اما اینکه آیا این امور را می‌توان عبادت و پرستش آتش نامید، مبتنی است بر اینکه ملاک عبادت را چه بدانیم؛ یا حقیقت عبادت چیست؛ یا وجه تمایز میان عبادت و بندگی با احترام و تکریم و فروتنی در برابر چیزی چیست.

از آثار زرتشتیان و زرتشت‌پژوهان، ملاکی برای حقیقت عبادت یافت نشد. در میان دانشمندان دیدگاههای مختلفی درباره حقیقت عبادت مطرح شده است که مجال ذکر آنها نیست. آنچه به طور قطع و

یقین می‌توان گفت این است که هر خضوعی را نمی‌توان عبادت گفت. قوام عبادت، باور به این است که دیگری را به طور مستقل، مالک شأنی از شئون خود بداند و برای رفع نیاز خود، در برابر چنین موجودی خضوع کند؛ اما صرف احترام و خضوع در برابر کسی یا چیزی، بدون چنین اعتقادی عبادت نیست. بنابر این، خضوع بدنی و خشوع قلبی را که ناشی از نیاز خاضع خاشع و غنا و استقلال آن دیگری است، عبادت گویند. حال اگر زرتشتیان، آتش را مستقل در رفع نیازهای خود دانسته، از این رو به تقدیس و تعظیم آن می‌پردازند، دچار شرک عبادی شده‌اند؛ اما اگر بر این باورند که آتش استقلالی ندارد و صرف احترام و کرنش در برابر آن است؛ در این صورت، این پرسش مطرح می‌شود که به چه دلیل در برابر یک عنصر مادی، جهان طبیعت این مقدار خضوع و کرنش می‌کنند.

از آثار و سخنان موبدان و زرتشتیان در توجیه ستایش و نیایش آتش، دو نکته به دست می‌آید: ۱. منافع زیاد آتش برای بشریت؛ ۲. قبله بودن نور و آتش.

برخی موبدان زرتشتی قائل‌اند به اینکه، از آنجا که آتش منافع زیادی برای انسان اولیه داشته، انسان حق دارد برای آن ارزش و احترام زیاد قائل شود و برای آن معابد بسازد یا آن را در اجاق خانه خود مشتعل نگه دارد (آذرگشوب، ۱۳۵۱: ۳۳). موبد شهزادی می‌گوید: «ما زرتشتیان آتش را فقط به واسطه دارا بودن خواص گرمی و نور که مظهر محبت و راستی است، مورد احترام قرار داده، به پاس خدماتی که به پیشرفت زندگی مادی و معنوی ما می‌نماید، قدردانی می‌کنیم» (شهزادی، ۱۳۸۰: ۷۴).

سبب دیگر روی‌آوری زرتشتیان به آتش، قبله بودن نور و آتش است. در کتاب دینکرد سوم آمده است که هر فرد مزدایی، وقت نماز می‌باید رو به خورشید، به زبان اوستایی، نیایش اورمزد جهان‌آفرین را به جای آورد (فضیلت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۵۳). به گفته اینان، زرتشت هر نوع نوری اعم از نور آتش، ماه و... را از آثار انوار اهورامزدا خوانده است. از این رو زرتشت، نور آتش و هر نور دیگر را قبله پیروان خود قرار داده است (دهلا، ۱۳۷۷: ۶۸). زرتشتیان با روی آوردن به سوی آتش و نور در حین ستایش، در حقیقت به وسیله نور، با خدای خود راز و نیاز می‌کنند؛ بنابر این، پرستش آتش در کار نیست؛ مانند سایر مذاهب که در حین خواندن نماز، رو به سوی قبله نماز می‌خوانند (نیکام، ۱۳۸۵: ۵۰). به گفته رئیس انجمن موبدان تهران، زرتشتیان تنها در داخل آتشکده رو به آتش می‌ایستند و به ستایش اهورامزدا می‌پردازند؛ اما در خارج از آتشکده، حتی همسایگان آتشکده نیز رو به سوی آتشکده نماز نمی‌گذارند، بلکه همیشه در هنگام نماز رو به سوی نور ایستاده و اهورامزدا را پرستش می‌کنند. (خورشیدیان، ۱۳۹۳: ۳۸۲)

پس قبله بودن نور در آیین زرتشت پذیرفتنی است و خللی به توحید عبادی زرتشتیان وارد نمی‌کند.

ج) شرک عبادی زرتشتیان در متون اسلامی

توحید عبادی از جمله دعوت‌های مشترک انبیا و هدف بعثت آنان بوده است: «در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل: ۳۶). از این آیه استفاده می‌شود که هر امتی دارای پیامبری بوده است و علت ارسال رسولان هم، دعوت مردم به بندگی و عبادت خدا و بازداشتن از عبادت غیر خدا بوده است. خدای متعال در سوره آل عمران می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم» (آل عمران: ۶۴). توحید در عبادت، اصلی است که مورد اتفاق همه مکتب‌های الهی بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۱۷). اگر زرتشتیان را از مصادیق اهل کتاب بدانیم، آنان نیز مأمور به توحید در عبادت بوده‌اند.

در مقابل توحید عبادی، شرک عبادی است که بسیاری از مردم، گرفتار انواع این شرک می‌باشند؛ خواه شرک جلی یا شرک خفی مانند ریا. از جلوه‌های شرک عبادی، پرستش آتش است. حضرت زهرا(س) در ابتدای خطبه فدکیه پیرامون فرقه‌ها و ادیان در زمان بعثت رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «خداوند او را مبعوث کرد تا کار خویش را به پایان برد و تصمیم داشت حکم خود را اجرا کند و مقدرات حتمی را نافذ و اجرا فرماید. پس رسول خدا مشاهده کرد که امتها از نظر دینی فرقه فرقه شده‌اند؛ در حالی که گروهی در آتشکده خود معتکف‌اند، گروهی مشغول عبادت بت‌های خویش‌اند و گروهی به رغم معرفت به الله، او را انکار می‌کنند. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۹؛ طبری، ۱۴۱۳: ۱۱۲)

علامه مجلسی در توضیح «عکفا علی نیرانها» در این خطبه می‌نویسد: «حضرت به بیان و تفصیل برخی از این فرقه‌ها می‌پرازد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹: ۲۵۵). گروهی آتش‌پرست و معتکف در آتشکده‌ها بودند و گروهی در برابر بت‌ها سر تعظیم فرود آورده‌اند؛ دسته‌ای هم در حالی که عرفان به خدا داشته‌اند، خدا را انکار می‌کرده‌اند. در این خطبه از آتش‌پرستی نام برده شده است، بدون اینکه تصریح به نام مجوس کند. می‌توان از مصادیق احتمالی آتش‌پرستان در خطبه را، مجوس دانست که در زمان رسول اکرم و در اطراف شبه جزیره عربستان سکونت داشتند. در روایات اسلامی به صراحت نسبت آتش‌پرستی به زرتشتیان داده شده است. روایتی از امام حسین در روز عاشورا نقل شده است که در بخشی از آن، حضرت می‌فرماید: «فَأَنْشَدُكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ أَوْلَهُمْ إِسْلَامًا وَأَعْلَمَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَأَنَّهُ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٌ قَالُوا اللَّهُ نَعَمْ قَالَ فِيمَ تَسْتَحِلُّونَ دَمِي وَأَبِي الذَّائِدِ عَنِ الْحَوْضِ غَدًا يَدُودُ عَنْهُ رَجَالًا كَمَا يَذَادُ الْبَعِيرُ الصَّادِرُ عَنِ الْمَاءِ وَلِوَاءِ الْحَمْدِ فِي يَدِ جَدِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالُوا قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ كُلَّهُ وَنَحْنُ غَيْرُ تَارِكِيكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطْشًا فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عَ بَطْرَفِ لِحْيَتِهِ وَهُوَ يَوْمئِذٍ ابْنُ سَبْعٍ وَخَمْسِينَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ

عَلَى الْيَهُودِ حِينَ قَالُوا عَزَبُ بْنُ اللَّهِ وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى النَّصَارَى حِينَ قَالُوا الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْمَجُوسِ حِينَ عَبَدُوا النَّارَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ قَتَلُوا نَبِيَّهُمْ وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْعَصَابَةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ قَتْلَ ابْنِ نَبِيِّهِمْ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۱۹) آیا می دانید علی نخستین مسلمان و دانشمندتر ایشان و از همگان بردبارتر و ولی هر زن و مرد مؤمن است؟ گفتند: به خدا سوگند می دانیم. فرمود: پس در این صورت چرا ریختن خون مرا روا می دانید؟ و پدرم فردای قیامت بر سر حوض ایستاده است و مردانی (مردمی) را از آن کنار می زند، همچنان که شتران بیگانه را از آب می رانند، و لوی حمد هم روز قیامت به دست پدر بزرگ من است؟ گفتند: همه این مطالب را می دانیم. در عین حال، دست از تو بر نمی داریم تا تشنه بمیری. در این هنگام، امام حسین (ع) که ۵۷ ساله بود، دست به ریش خود گرفت و فرمود: خشم خداوند هنگامی بر یهود شدت پیدا کرد که گفتند عزیر پسر خداست و خشم خداوند هنگامی بر مسیحیان شدت پیدا کرد که گفتند مسیح پسر خداست و خشم خداوند هنگامی بر زرتشتیان شدت پیدا کرد که به جای خداوند آتش را پرستش کردند. و خشم خداوند بر هر قومی که پیامبر خود را کشته اند شدت پیدا کرده است و خشم خداوند بر این گروه هم که می خواهند پسر پیامبر خویش را بکشند شدت پیدا خواهد کرد.

این حدیث شریف نکاتی در بردارد:

۱. از کاربرد شدت غضب خدا (اشتد غضب الله) برای مجوس، فهمیده می شود که صرف احترام و تعظیم آتش نبوده است - آنگونه که امروزه زرتشتیان احترام به آتش را توجیه می کنند - بلکه پرستش و عبادت آتش در کار بوده است. اگر مجوس به آتش فقط به سبب منافع مادی آن احترام می گذاشتند، جایی برای شدت غضب خداوند نبود. این نکته به قرینه مقابله یهود و نصاری نیز فهمیده می شود؛ زیرا حضرت در حدیث مذکور، یهودیان و مسیحیان را به سبب پسر خدا خواندن عزیز و مسیح مورد غضب الهی می داند و لحن شدید قرآن هم بر این امر صحه می گذارد: «یهود گفتند: عزیر پسر خداست! و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که با زبان خود می گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند؟!» (توبه: ۳۰)

اگر صرفاً مراد یهودیان و مسیحیان از ابن الله بودن عزیز و مسیح، معنای حقیقی آن نبود، بلکه کنایه از تعظیم شخصیت این دو بزرگوار بود؛ غضب خداوند جایگاهی نداشت. درباره یهود و نصاری، حدیث دیگری نیز وارد شده است: «پیامبر اکرم (ص) فرمود خداوند سخت خشم گرفت بر یهود که گفتند عزیر پسر خداست و سخت خشم گرفت بر نصرانیان که گفتند عیسی مسیح پسر خداست و سخت غضبناک است بر کسی که خون مرا بریزد و آزارم کند در مورد عترتم» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۶)

۴۸۲ ❖ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

۲. قید من دون الله در «عبدوا النار من دون الله» نیز شاهد دیگر بر این ادعاست که پرستش آتش به جای پرستش خدا در کار بوده است، نه اینکه صرفاً به آتش احترام بگذارند.

۳. از کاربرد واژه «حین» در حدیث مذکور برداشت می‌شود که آتش پرستی، وصف ملازم مجوس نبوده است؛ بلکه مجوس در برهه‌ای از زمان از اصل توحید عبادی منحرف شده و به پرستش غیر خدا روی آورده‌اند. البته در حدیث، ابتدا و انتهای زمانی آن نیامده است.

۱. پرستش ماه و خورشید

از نمونه‌های دیگر شرک عبادی، پرستیدن ماه و خورشید است که در روایات به مجوس نسبت داده شده است. در آیات قرآن کریم به چند نمونه برمی‌خوریم که گروهی از مردم، اجرام آسمانی نظیر خورشید و ماه و ستاره را می‌پرستیدند. در سوره انعام از احتجاج حضرت ابراهیم با پرستندگان ستاره و ماه و خورشید نقل می‌کند: «هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگ‌تر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم.» (انعام: ۷۶-۷۸)

شیخ صدوق از امام رضا(ع) نقل می‌کند: «ابراهیم(ع) در میان سه گروه واقع شده بود؛ گروهی که ستاره زهره را می‌پرستیدند، گروهی که ماه را ستایش می‌کردند و گروهی نیز خورشید را» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۷؛ همو، ۱۳۹۸: ۷۴). امام رضا(ع) در این حدیث، مقصود از کوكب در آیه مذکور را، ستاره زهره می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۷۹). از احتجاج حضرت ابراهیم با مشرکان فهمیده می‌شود که گروهی از مردم، برای اجرام آسمانی نوعی الوهیت قائل بودند.

از آیه «وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَى» (نجم: ۴۹) نیز استفاده می‌شود که ستاره شعری مورد تقدیس بعضی مردم بوده است که خدای متعال می‌فرماید: چرا رب را رها کرده و به مربوب گرایش پیدا می‌کنید. برخی مورخان گفته‌اند قبیله حمیر، آفتاب پرست و قبیله کنانه، ماه پرست و قبیله طی، سهیل پرست و قبیله خزاعه، شعری پرست بودند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۶۰۹)

شاهد دیگر، این آیه از قرآن است که خداوند درباره ملکه بلقیس و قومش از زبان هدهد نقل می‌کند: «وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهُمْ يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا

مرتضی صاعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۸۳

يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴)؛ او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی شوند. در این آیه شریفه، شمس در مقابل الله قرار گرفته است و با تعبیر «من دون الله» تصریح دارد که اینان به جای سجده برای خداوند، خورشید را مسجود خود قرار داده بودند. این آیه شریفه به بلقیس، ملکه سبأ و قوم او اشاره دارد و برخی مفسران، اینان را مجوسی خوانده اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۶۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۲۵۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۸۵). هیچ آگاهی نسبت به صحّت و سقم این دیدگاه در دست نیست. آنچه می توان گفت اینکه، مملکت سبأ در جنوب جزیره ای در یمن واقع شده و سوره ای از قرآن به سبأ نامیده شده است. نام ملکه سبأ در قرآن نیامده، ولی در روایات از آن به بلقیس نام برده شده است. (صفا، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۰)

بنابر آیات سوره نمل، بلقیس هم عصر حضرت سلیمان بوده است (نمل: ۲۳ به بعد) و عصر حضرت سلیمان به حدود ۱۰۰۰ قبل از میلاد برمی گردد؛ از ۹۶۰ تا ۹۲۰ ق.م (البیاض، ۱۹۹۳، ج ۱۳: ۴۰۸). از طرف دیگر، درباره زمان ظهور زرتشت دیدگاههای مختلف ذکر شده است؛ نزدیک ترین قول، تولد زرتشت را حدود قرن ششم قبل از میلاد می داند. بر اساس این دیدگاه، هنوز آیین زرتشت در کار نبوده است. اگر دیدگاه اقولی که زرتشت را متعلق به ۱۲۰۰ پیش از میلاد می دانند در نظر بگیریم؛ در این صورت، زرتشت و آیین او وجود داشته است، ولی سخنی از ارتباط میان قوم سبأ ساکن در یمن و مجوس در این تاریخ مذکور نیامده است. آنچه مورخان و پژوهشگران به وجود افراد مجوسی در یمن و سیطره حکومت شاهان ایرانی بر یمن ذکر کرده اند، متعلق به زمان ظهور اسلام است. یمن در اواخر حکومت ساسانی به تصرف ایرانیان درآمد. برخی از عربها به دلیل رفت و آمد به ایران و یمن، تحت تأثیر آیین زرتشتی قرار گرفته بودند و فرهنگ زرتشتی در آن رواج یافته بود (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۶؛ آذرنوش، ۱۳۵۴: ۱۹۳؛ رضی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۹۵۸). جواد علی، مورخ و پژوهشگر عرب می نویسد: «اهل حجاز متصل به یمن بودند و هنگام ظهور اسلام فارسها بر یمن حکومت داشتند، فارسهایی که بردین مجوسیت بودند» (علی، ۱۳۵۵، ج ۶: ۶۹۱). پس ارتباط سجده خورشید و قمر در آیه مذکور با مجوس، صرفاً یک احتمال است که پشتوانه نقلی (تاریخی یا روایی) بر آن یافت نشد.

آیه پایانی که در این رابطه قابل استناد است، می فرماید: «و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می خواهید او را بپرستید» (فصلت: ۳۷). در این آیه شریفه نیز سجده شمس و قمر در برابر سجده الله قرار گرفته و مسجود بودن آنها نهی شده است. در تفسیر تبیان، سجده خورشید و ماه در آیه را به مجوس نسبت می دهد: قال تعالی «لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ» كما يفعل قوم من المجوس بل «اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ...» «إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» أي ان كنتم تقصدون بعبادتكم الله فوجهوا العبادة اليه دون الشمس والقمر. (طوسی، بی تا، ج ۹: ۱۲۸؛ نیز ر.ک: ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۸۲)

۴۸۴ ♦ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

در بعضی روایات، پرستش ماه و خورشید را به مجوس منتسب کرده است: «قَالَ عَدِيُّ بْنُ حَرَمَةَ لَمَّا زَحَفَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ إِلَى الْحُسَيْنِ عَ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى لِحْيَتِهِ وَقَالَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا وَعَلَى النَّصَارَى إِذْ جَعَلُوهُ ثَلَاثَ ثَلَاثَةٍ وَعَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دُونَهُ وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمِ اتَّفَقَتْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ وَاللَّهُ لَا أُجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا يَطْلُبُونَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى وَ أَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي مَغْلُوبٌ عَلَى حَقِّي» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۱۲)؛ در این هنگام حسین (ع) دست بر محاسن شریف زد و می فرمود: خشم خداوند بر یهود موقعی سخت شد که فرزند برای خدا قرار دادند و غضب الهی بر نصاری شدت یافت که خداوند را سومین خدای خود خواندند و بر طایفه مجوس آنگاه سخت خشمناک شد که آفتاب و ماه را به جای و پرستیدند و خداوند بر گروهی سخت غضبناک شده است که همه برای کشتن فرزند دختر پیغمبرشان یک زبان شده اند. به خدا قسم! از خواسته های آنان هیچ نخواهم پذیرفت تا آنگاه که به خون خویش رنگین شوم و خدای تعالی را با این حال ملاقات کنم.

سید بن طاووس نیز حدیث را از امام حسین (ع) با تفاوت محتوایی مختصری نقل کرده است: «فَأَقْتُلُوا سَاعَهُ مِنَ النَّهَارِ حَمَلَهُ وَ حَمَلَهُ حَتَّى قُتِلَ مِنْ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ عَ جَمَاعَةً. قَالَ: فَعِنْدَهَا ضَرَبَ الْحُسَيْنُ عَ بِيَدِهِ إِلَى لِحْيَتِهِ وَ جَعَلَ يَقُولُ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى النَّصَارَى إِذْ جَعَلُوهُ ثَلَاثَ ثَلَاثَةٍ وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دُونَهُ وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمِ اتَّفَقَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ أَمَا وَاللَّهِ لَا أُجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا يُرِيدُونَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهُ وَ أَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۱). در این حدیث، امام حسین (ع) سه طایفه را مورد غضب خدای متعال می داند: یهودیان، به سبب پندار فرزند برای خدا که مراد عزیر است؛ مسیحیان، به سبب باور به تثلیث و زرتشتیان، به سبب پرستش خورشید و ماه به جای خدا. ضمیر «دونه» به الله برمی گردد و شبیه آیات پیشین است که مجوس، شمس و قمر را به جای الله سجده می کردند. سجده عالی ترین مظهر عبادت و بندگی است.

شاهد دیگر بر خورشیدپرستی مجوس، داستان پدر و مادر سلمان فارسی است. سلمان فارسی از صحابه رسول گرامی اسلام است که احادیث فراوانی در فضیلت وی وارد شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۴۱). وی در خانواده ای مجوسی به دنیا آمد؛ بعدها خادم کشیشی مسیحی شد و در نهایت، اسلام را اختیار کرد. این تغییر کیش سلمان، در روایات مختلف آمده است: در روایت امام علی (ع)، سلمان از پیشگامان به اسلام در میان فارس بوده است: «علی بن ابی طالب (ع) فرمود: سبقت گیرندگان (در ایمان) پنج نفرند: من سبقت گیرنده از عرب هستم و سلمان از فارس و صهیب از روم و بلال از حبشه و خباب از نبط» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۱۲؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۸: ۴۴).

سلمان پیش از تشرّف به اسلام، مجوسی و فارسی بوده است: «در محضر امام صادق (ع) در حالی که تکیه زده بود، از سلمان و جعفر طیار یاد شد. بعضی جعفر را بر سلمان برتری دادند و در آنجا ابوبصیر بود. پس بعضی گفتند سلمان مجوسی بوده، سپس اسلام آورده است. امام صادق (با حالتی) غضبناک نشست و

مرتضی صانعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۸۵

فرمود (ای) ابابصیر! خدا او را علوی قرار داد پس از آنکه مجوسی بود و قرشی قرار داد پس از آنکه فارسی بود. پس درود خدا بر سلمان باد». (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۳۴۹)

حدیث دیگر از امام صادق(ع) است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ خَطَبَ سَلْمَانَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لِدِينِهِ بَعْدَ جُحُودِي لَهُ، إِذْ أَنَا مُدَّكَ لِنَارِ الْكُفْرِ أَهْلُ لَهَا نَصِيبًا وَآتَيْتُ لَهَا رِزْقًا، حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِي حُبَّ تَهَامَةٍ فَخَرَجْتُ جَانِعًا ظَمَانًا، قَدْ طَرَدَنِي قَوْمِي وَأَخْرَجْتُ مِنْ مَالِي» (کشی، ۱۴۰۹: ۲۰)؛ ستایش خدایی را که مرا پس از آنکه او را انکار کردم، به دینش رهنمون ساخت، چنانکه من برافروزنده آتش اهل کفر بودم، سهمی از قربانی را به آن اختصاص می‌دادم، برای آن روزی می‌آوردم تا اینکه خداوند حب تهامه را در دلم افکند سپس با حالتی گرسنه و تشنه بیرون شدم و قومم مرا طرد کردند و از مالم محروم گشتم.

«ذکت النار» در حدیث به این معناست که آتش روشن شد، مشتعل شد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۳۰). اهلال به معنی بلند کردن صداست (زهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۲۴۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۸۵۲). در قرآن کریم چهار مرتبه واژه اهل به کار رفته است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ...» (مانده: ۳۳؛ بقره: ۱۷۳؛ انعام: ۱۴۵؛ نحل: ۱۱۵)؛ حرام شده بر شما گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند....

مراد از اهلال برای غیر خدا، ذبح برای غیر خدا مانند بتهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۲۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۹۹). در مفردات راغب، به خوبی این واژه قرآنی معنا شده است: «الْأَهْلَالُ: رَفْعُ الصَّوْتِ عِنْدَ رُؤْيَةِ الْهَلَالِ، ثُمَّ اسْتَعْمَلَ لِكُلِّ صَوْتٍ، وَقَوْلُهُ: وَمَا أُهْلِيَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ [بقره: ۱۷۳] أَيْ: مَا ذَكَرَ عَلَيْهِ غَيْرَ اسْمِ اللَّهِ، وَهُوَ مَا كَانَ يَذْبَحُ لِأَجْلِ الْأَصْنَامِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۸۴۳؛ نیز رک: حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۶۸۴۴). در این حدیث آمده است: «اهل له نصيبا؛ یعنی سهمی از قربانی را برای آتش اختصاص می‌دادند؛ همان‌گونه که مشرکان در جاهلیت، قسمتی از شتران و چهارپایان و بخشی از زراعت را مخصوص بتان می‌دانستند و در راه آنها خرج می‌کردند» (رک: تفاسیر ذیل آیات ۱۳۶ انعام و ۵۶ نحل). مری بویس از استرابون نقل می‌کند: «چون مجوسی که قربانی را اداره می‌کند، گوشت را تقسیم می‌کند؛ هر کس سهم خود را برمی‌دارد و می‌رود و نصیبی برای خدایان تخصیص نمی‌دهند؛ زیرا می‌گویند خدا، تنها روان حیوان قربانی شده را می‌خواهد و نه چیز دیگر را. اما برخی نوشته‌اند که بخش کوچکی از گوشت را در آتش می‌گذارند». این نیز با رسوم جاری زرتشتیان مطابقت دارد و از قرار معلوم، منظور از «بخشی از گوشت»، نذر پیه یا دنبه است که از هر قربانی به آتش پیشکش می‌شود. اعتقاد دارند که رایحه قربانی نیز برای موجودات آسمانی دلپذیر است (بویس و گرتز، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۷۵). از برخی جهانگردان اروپایی درباره زرتشتیان نقل شده است: «قوانین ایشان آزادی زیادی برای خوردن گوشت و نوشیدنی‌ها به آنها می‌دهد... آنان هر گاه مرغ و گوشت می‌خورند، قسمتی از آن را هم به

۴۸۶ ❖ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

اگیاری یا آتشکده می‌برند تا به عنوان نثار برای خشنود کردن خداوند تقدیم کنند؛ چه برای تغذیه انسان، ناچار از گرفتن جان آفریدگان خداوند می‌باشند». (بویس، ۱۳۹۱: ۲۱۹)

حدیث اصلی در این بخش که اشاره به پرستش خورشید دارد، روایتی است که سلمان برای حضرت امیرالمؤمنین (ع) چگونگی تشرف به اسلام را نقل می‌کند تا آنجا که می‌فرماید: مادر سلمان به او اعتراض کرد که چرا امروز برای خورشید سجده نکردی: «... عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَا تُخْبِرُنَا كَيْفَ كَانَ سَبَبَ إِسْلَامِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي ص أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ آبا ذَرَّ وَ جَمَاعَةً مِنْ قُرَيْشٍ كَانُوا مُجْتَمِعِينَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أَخْبَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَلَّا تُخْبِرُنَا بِمَبْدِئِ أَمْرِكَ فَقَالَ سَلْمَانُ وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَوْ أَنَّ عَيْرَكَ سَأَلَنِي مَا أَخْبَرْتَهُ أَنَا كُنْتُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ شِيرَازٍ مِنْ أَبْنَاءِ الدَّهَاقِينِ وَ كُنْتُ عَزِيزًا عَلَى وَالِدِي فَبَيْنَا أَنَا سَائِرٌ مَعَ أَبِي فِي عِيدِ لَهُمْ إِذَا أَنَا بِصَوْمَعَةٍ وَ إِذَا فِيهَا رَجُلٌ يَنَادِي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ عِيسَى رُوحَ اللَّهِ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا حَبِيبُ اللَّهِ فَرَسَخَ وَ صَفَّ مُحَمَّدٌ فِي لَحْمِي وَ دَمِي فَلَمْ يَهْنِنِي طَعَامٌ وَ لَا شَرَابٌ فَقَالَتْ لِي أُمِّي يَا بَنِيَّ مَا لَكَ الْيَوْمَ لَمْ تَسْجُدْ لِمَطْلَعِ الشَّمْسِ قَالَ فَكَابَرْتُهَا حَتَّى سَكَنْتُ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۶۲)؛ از امام هفتم، موسی ابن جعفر (ع) پرسیدم یا ابن رسول‌الله به ما گزارش نمی‌دهی چگونه وسیله فراهم شد و سلمان فارسی به اسلام پیوست؟ فرمود پدرم برای من بازگو کرد که امیرالمؤمنین با سلمان فارسی و ابوذر و گروهی از قریش سر قبر پیغمبر اجتماعی کرده بودند. علی (ع) به سلمان فرمود یا اباعبدالله آغاز کار خود را به ما گزارش بده. سلمان عرض کرد یا امیرالمؤمنین! به خدا اگر جز تو می‌پرسید گزارش نمی‌دادم. من مردی بودم از اهل شیراز، فرزند یکی از دهقانان بزرگ. پیش پدر و مادر عزیز بودم. در این میان که با پدرم برای شرکت در جشن یکی از عیدهای زردشتی می‌رفتم، به یک صومعه برخوردیم (معبد نصاری). به ناگاه در آن صومعه مردی فریاد کرد اشهد أن لا إله إلا الله و ان عيسى روح الله و ان محمدا حبيب الله. وصف محمد تا مغز گوشت و خون من به جا نشست و دیگر نه خوراکی بر من گوارا بود، نه نوشابه‌ای، مادرم به من متوجه شد گفت تو امروز چرا به آفتاب سجده نکردی؟ من با او به گفتگو پرداختم تا خاموش شد.

شاهد بحث، این عبارت حدیث است: «فَقَالَتْ لِي أُمِّي يَا بَنِيَّ مَا لَكَ الْيَوْمَ لَمْ تَسْجُدْ لِمَطْلَعِ الشَّمْسِ»؛ مادرش به او اعتراض کرد که چرا امروز برای مطلع خورشید سجده نکردی. البته در نقل دیگری آمده که پدرش به او این اعتراض را کرد و به جای لم تسجد، لاتسجد به کار رفته است: «فَقَالَ لِي أَبِي مَا لَكَ لَأ تَسْجُدْ لِمَطْلَعِ الشَّمْسِ فَكَابَرْتُهُ...» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۷۹). از این عبارت، سه احتمال قابل برداشت است:

نخست اینکه، خورشید الهه و معبود آنان بوده است؛ همان‌گونه که در قرآن نظایر آن دیده شد.

دوم اینکه، قصد الوهیت خورشید در کار نبوده و صرفاً تعظیم و فروتنی آن در کار بوده است؛ با این بیان که سجده ذاتاً عبادت نیست. جوهره اصلی عبادت، قصد الوهیت و استقلال در اصل هستی یا شأنی از

مرتضی صانعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۸۷

شئون هستی است. اگر سجده کننده چنین قصدی نداشت، سجده او عبادت برای آن شی یا شخص نیست؛ مانند سجده ملانکه برای حضرت آدم (حجر: ۳۰، ص: ۷۳)؛ یا سجده پدر و مادر یوسف برای او (یوسف: ۱۰۰) که به سبب تکریم و احترام بود و قصد الوهیت و استقلال آنان نبود (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۳۳). بنابر این، اگر مجوس قصد الوهیت و استقلال در اصل هستی یا شأنی از شئون هستی و مانند آن برای خورشید معتقد باشند، خورشید را پرستش و عبادت می کردند؛ ولی اگر چنین قصدی در کار نبود، عبادت خورشید محسوب نمی شود.

سوم اینکه، خورشید قبله و جهت عبادت آنان بوده است؛ با این بیان که «لام» کلمه لمطلع در عبارت «لم تسجد لمطلع الشمس»، به معنای الی باشد؛ یعنی لم تسجد الی مطلع الشمس؛ یعنی به طرف خورشید عبادت کنید که خورشید، قبله و جهت عبادت باشد (همان: ۵۳۵)؛ نظیر مکه برای مسلمانان.

د) نتیجه گیری

توحید یا شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی بررسی شد. مجموع شواهد دو دسته متون دینی و دیدگاه پژوهشگران، نشان دهنده این است که در میان زرتشتیان، پرستش اجرام آسمانی و عناصر طبیعی و به طور ویژه پرستش آتش، در برهه‌ای از تاریخ ثابت است؛ ولی آغاز این کار و اینکه تا چه مدتی این پرستش طول کشیده است، آگاهی کامل در دست نیست. بنابر این، ادعای توحید عبادی در تمام دوران ظهور و بروز زرتشتیان از ابتدا تا کنون، قابل اثبات نیست و شواهد نقلی، خلاف آن را گواهی می دهند. این احتمال قوت دارد که با غلبه اسلام و اضمحلال دولت ساسانی، موبدان زرتشتی برای حفظ آیین خود از انحلال تام، دست به اصلاحاتی زدند؛ از جمله اینکه پرستش خورشید را لغو کردند و قبله بودن آتش و تشبیه آن به کعبه نیز متأثر از قبله و جهت عبادت در میان مسلمانان بوده است.

در راه حل جمع میان دیدگاه پرستش آتش یا پرستش خورشید و ماه، وجوهی را می توان حدس زد:

۱. پرستش آتش و ماه و خورشید، هر سه متداول بوده است؛ به این معنا که گروهی از مردم آتش پرست و گروهی ماه و خورشید را می پرستیدند؛

۲. در دوره‌ای، پرستش آتش و در عصری دیگر، خورشید و ماه پرستش می شده است؛

۳. آتش می پرستیدند و قبله آنان خورشید بوده است؛ یعنی رو به خورشید، به پرستش آتش مشغول

بودند.

۴۸۸ ❖ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

یادآوری این نکته ضروری است که در صورت اثبات پیامبری زرتشت، وی نیز مانند سایر پیامبران، مردم را دعوت به توحید به تمام مراتب آن کرده است؛ همچنان که اگر سخن زرتشتیان و موبدان عصر کنونی لحاظ شود، نمی‌توان جامعه زرتشتی را آتش‌پرست دانست؛ بلکه از جنبه توحید عبادی، در زمره موحدان به شمار می‌آیند و آتش و به صورت کلی نور را قبله خود می‌دانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- اوستا. ترجمه جلیل دوستخواه.
- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۵۱). **پاسخگویی به اتهامات**. تهران: اردشیر آذرگشسب.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۵۴). **راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی (پیش از اسلام)**. تهران: دانشگاه تهران.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق علی عبدالباری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). **تاریخ اساطیری ایران**. تهران: سمت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). **الامالی**. تهران: کتابچی، چ ششم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸). **التوحید**. تحقیق و تصحیح هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). **الخصال**. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). **عیون اخبار الرضا علیه السلام**. تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). **کمال الدین و تمام النعمه**. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: اسلامی، چ دوم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). **التهوف علی قتلی الطفوف**. ترجمه احمد فهری زنجانی. تهران: جهان.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**. تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ ق). **مشیر الأحزان**. تحقیق و تصحیح مدرسه امام مهدی. قم: مدرسه امام مهدی، چ سوم.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- احمدی، داریوش (۱۳۸۵). **قوم آریا: مجموعه پژوهشهایی در زمینه ادیان و تاریخ ایران باستان**. قم: ادیان.
- ازکومون، معین (۱۳۹۴). **مزدیسنا و ادب پارسی**. تهران: دانشگاه تهران، چ ششم.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۴۹۰ ❖ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

- بویس، مری (۱۳۸۹). «دیانت زرتشتی در دوران متأخر». دیانت زرتشتی. ترجمه فریدون وهمن. تهران: ثالث.
- بویس، مری (۱۳۹۱). زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس، چ دوازدهم.
- بویس، مری و فرانتز گرنر (۱۳۷۵). تاریخ کیش زرتشت: پس از اسکندر گجسته. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: توس.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). یسنا. تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها. تهران: اساطیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). تاریخ ایران اسلامی؛ دفتر اول: از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی. تهران: کانون اندیشه جوان.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ توحید در قرآن. تنظیم حیدرعلی ابویی. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق). شمس العلوم. تحقیق مطهر بن علی اریانی، یوسف محمد عبدالله و حسین بن عبدالله عمری. دمشق: دار الفکر.
- خورشیدیان، اردشیر (۱۳۹۳). دهش فرهنگی یا لرک مینوی. تهران: فروهر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر و دلاواله. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی، چ دوم.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۸). اورمزد و اهریمن. ترجمه عباس باقری. تهران: فرزانه روز.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵). دین ایران باستان. ترجمه رؤیا منجم. تهران: فکر روز.
- دهالا، مانک جی نوشیروان جی (۱۳۷۷). خداشناسی زرتشتی از باستانی ترین زمان تا کنون. ترجمه رستم شهزادی. تهران: فروهر.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار الشامیه.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۹ ق). الخرائج و الجرائح. تحقیق و تصحیح مؤسسه الإمام المهدی. قم: مؤسسه امام مهدی.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان: عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی. تهران: سخن.
- رضی، هاشم (۱۳۴۶). فرهنگ نامهای اوستا. تهران: فروهر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی، چ سوم.

مرتضی صانعی و سید محمد حاجتی شورکی ❖ ۴۹۱

- شهزادی، رستم (۱۳۸۰). مجموعه سخنرانی‌های موبد موبدان رستم شهزادی. به کوشش مهرانگیز شهزادی. تهران: مهرانگیز شهزادی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق.). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. تصحیح حسین الاعلمی. بیروت: اعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق.). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ ق.). دلائل الإمامه. تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه. قم: بعثت.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين. تحقیق احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی، ج سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قیصر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علی، جواد (۱۳۵۵). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دارالعلم للملایین / بغداد: مکتبه النهضه.
- عیاشی محمد بن مسعود (۱۳۸۰). کتاب التفسیر. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.
- فضیلت، فریدون [ترجمه] (۱۳۸۱). کتاب سوم دینکرد. دفتر یکم. تهران: فرهنگ دهخدا.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۲). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب، ج هشتم.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق.). رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال. تحقیق و تصحیح محمد بن حسن و حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق.). بحار الانوار. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی اشتهازی، محمد (۱۳۷۸). رابطه ایران با اسلام و تشیع [از آغاز تا کنون] پیرامون ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع در ایران. تهران: برهان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.

۴۹۲ ❖ خوانشی نو بر شرک عبادی زرتشتیان در متون دینی زرتشتی و اسلامی

- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). **الاختصاص**. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمي لالفة الشيخ المفید.
- نمیرانیان، کتایون (۱۳۸۱). «**زرتشتیان ایران: نامها و اوصاف آنها**». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۳۴: ۱۷۴-۱۶۱.
- نیکنام، کوروش (۱۳۸۵). **آیین اختیار**. تهران: تیس.
- هینلز، جان راسل (۱۳۷۱). **شناخت اساطیر ایران**. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه، چ دوم.

- **The Holy Quran**. Translated by Nasser Makarem Shirazi.
- Eliade, Mircea (1993). **The encyclopedia of religion**. editors Charles J. Adams. associate editor, Lawrence E. Sullivan; William K. Mahony, assistant editor, Vol. 13. New York: Macmillan Publishing Company.
- **Avesta**. Translated by Jalil Dostkhah.
- Abu al-Futuh Razi, Husayn ibn Ali (1408 AH). **Rud al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Quran**. Research by Mohammad Ja'far Yahaqi and Mohammad Mahdi Naseh. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Ahmadi, Dariush (2006). **Aryan people: a collection of researches in the field of religions and history of ancient Iran**. Qom: publication of religions.
- Ali, Javad (1976). **Detailed in the history of the Arabs before Islam**. Beirut: Dar al-Alam for the Malays, Baghdad: Maktab al-Nahda.
- Alusi, Sayyid Mahmud (1415 AH). **The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an**. Research on Abdul Bari Atiyah. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Amoozgar, Jaleh (1995). **Mythical History of Iran**. Tehran: Samat.
- Ayashi, Muhammad bin Massoud (2001). **Kitab al-Tafsir**. Research by Seyyed Hashem Rasooli Mahallati. Tehran: Theological Press.
- Azargoshsab, Ardeshir (1972). **Responding to the charges**. Tehran: Ardeshir Azargashsab.
- Azarnoosh, Azartash (1975). **Ways of Persian influence in the culture and language of Tazi (before Islam)**. Tehran: University of Tehran.
- Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). **Tahdhib Al-Lingha**. Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Azkomon, Moin (2015). **Mazdisna and Persian Literature**. Ch. 6. Tehran: University of Tehran.
- Boyce, Mary (2010). **"Zoroastrian religion in the late period"**. *Zoroastrian religion*. Translated by Fereydoun Vahman. Tehran: third.
- Boyce, Mary (2012). **Zoroastrians and their religious beliefs and customs**. Translated by Askar Bahrami. Tehran: Phoenix, Ch12.

- Boyce, Mary & Franz Grenier (1996). **History of Zoroastrianism: After Alexander the Great**. Translated by Homayoun Sanati-Zadeh. Tehran: Toos.
- Christensen, Arthur (1993). **Iran during the Sassanids**. Translated by Rashid Yasemi. Ch 8, Tehran: Book World.
- Clini, Muhammad ibn ya`qub (1407 AH). **Al-Kafi**. edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi. Tehran: Islamic Library.
- Dahala, Monk Ji Noshirvan Ji (1998). **Zoroastrian theology from ancient times to the present**. Translated by Rostam Shahzadi. Tehran: Forouhar.
- Delawale, Pietro (1991). **Travelogue of Pietro Delavaleh**. Translated by Shoaeddin Shafa. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, Ch.2.
- Duchamp Gaiman, Jacques (1999). **Ormazd and Ahriman**. Translated by Abbas Bagheri. Tehran: Farzan Rooz Publishing and Research.
- Duchamp Gaiman, Jacques (1996). **Religion of Ancient Iran**. Translated by Roya Monjem. Tehran: Fekrooz.
- Fazilat, Fereydoon [Translator] (2002). **The Third book of Kurdish religion. Book One**. Tehran: Farhang Dehkhoda.
- Hemyari, Nashwan Ibn Saeed (1420 AH). **Shams al-Ulum**. Research by Motahar bin Ali Ariani, Yusuf Muhammad Abdullah and Hussein bin Abdullah Omari. Damascus: Dar al-Fikr.
- Hinels, John Russell (1992). **Understanding Iranian mythology**. Translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafzali. Tehran: Cheshmeh, Ch 2.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (1997). **Al-Amali**. Ch 6. Tehran: Ketabchi.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (1983). **Al-Khasal**. Research and correction by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Teachers Association.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (2019). **Al-Tawhid**. Research and correction by Hashem Hosseini. Qom: Teachers Association.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (1378 AH). **Ayoum Akhbar al-Reza** PBUH. Research and correction by Mehdi Lajevardi. Tehran: Jahan.
- Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (1395 AH). **Kamaluddin and all the blessings**. Research and correction on Akbar Ghaffari. Ch II. Tehran: Islamic.
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa (1969). **Allahof on the murder of Tafuf**. Translated by Ahmad Fahri Zanjani. Tehran: Jahan.
- Ibn Attia Andalusi, Abd al-Haq ibn Ghalib (1422 AH). **The brief editor in the interpretation of the dear book**. achieved by Abd al-Salam Abd al-Shafi Muhammad. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Ibn Nama Heli, Ja'far ibn Muhammad (1406 AH). **Mathir al-Ahzan**. Research and correction of Imam Mahdi's school. Ch. III. Qom: Imam Mahdi School.

- Jafarian, Rasool (2008). **History of Islamic Iran - Book One: From the Origin of Islam to Islamic Iran**. Tehran: Young Thought Center.
- Javadi Amoli, Abdullah (2004). **Thematic Interpretation of the Holy Quran: Monotheism in the Quran**. Edited by Haidar Ali Abui. Qom: Esra.
- Johari, Ismail Ibn Hammad (1997). **Al-Sahah**. Research by Ahmad Abdul Ghafoor Attar. Beirut: Dar al-Alam.
- Kashi, Muhammad ibn Umar (1409 AH). **Rijal al-Kashi - Ikhtiar Maarefa al-Rijal**. Research and correction by Mohammad ibn Hassan and Hassan Mostafavi. Mashhad: Mashhad University Publishing Institute.
- Khorshidian, Ardeshir (2014). **Dahesh Farhangi or Lark Minavi**. Tehran: Forouhar.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1403 AH). **Bahar al-anvar**. a collective correction by scholars. Beirut: Dar Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- Mohammadi Eshtehardi, Mohammad (1999). **Iran's relationship with Islam and Shiism [from the beginning until now] about Muslim Iranians in the beginning of Islam and the course of Shiism**. Tehran: Borhan.
- Motahhari, Morteza (1978). **Mutual services between Islam and Iran**. Qom: Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office.
- Moin, Mohammad (1981). **Farhang-e Farsi**. Tehran: Amirkabir.
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1413 AH). **Al-Ihtasas**. Research and correction by Ali Akbar Ghaffari and Mahmoud Muharrami Zarandi. Qom: Al-Mutamar Al-Alami for the success of Sheikh Al-Mufid.
- Namiranian, Katayoun (2002). **"Zoroastrians of Iran: Letters and Their Attributes"**. *Social Sciences and Humanities Shiraz University*, No. 34: 161-174.
- Niknam, Cyrus (2006). **Religion of Authority**. Tehran: Tis.
- Purdawood, Ibrahim (1998). **Yashtha**. Tehran: Myths.
- Purdawood, Ibrahim (2001). **Yasna**. Tehran: Myths.
- Ragheb Isfahani, Hassan Ibn Muhammad (1416 AH). **Glossary of Quranic words**. Research of Safwan Adnan Davoodi. Beirut: Dar Al-Shamiya.
- Ravandi, Qutbuddin Saeed bin Hiba Allah (1409 AH). **Expenses and injuries**. Investigation and correction of Imam Al-Mahdi Foundation. Qom: Imam Al-Mahdi Foundation.
- Razi, Hashem (2002). **Encyclopedia of Ancient Iran: Avestan era to the end of the Sassanid era**. Tehran: Sokhan.
- Razi, Hashem (1967). **Avesta Names Dictionary**. Tehran: Forouhar.
- Shahzadi, Rostam (2001). **Collection of lectures by the priest Rostam Shahzadi**. by Mehrangiz Shahzadi. Tehran: Mehrangiz Shahzadi.
- Saffar, Muhammad ibn Hassan (1404 AH). **See the degrees in the virtues of the family of Muhammad (peace be upon him)**. Qom: Maktab Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi.

- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1413 AH). **The proofs of the Imam.** Research according to the Islamic teachings of the Ba'athist Foundation. Qom: Ba'ath.
- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali (1403 AH). **Protest against the people of Lajaj.** Mashhad: Morteza Publishing.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1417 AH). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran.** Sahih Hussein Al-A'lami. Beirut: A'lami.
- Tarihi, Fakhruddin (1996). **Bahrain Complex.** Research by Ahmad Hosseini Eshkori. Tehran: Mortazavi, Ch 3.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (No Date). **Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran.** Research by Ahmad Qaisar Ameli. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud (1407 AH). **Discovering the truths of the mysterious download.** Ch. 3. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

